

همچنان کنترل‌شان را بر این منطقه‌ی نفت‌خیز تأمین کنند؛ هند، ایران و سایر کشورهای منطقه نیز می‌خواهند به آنها بپیوندند.

در نتیجه می‌توان گفت که این احتمال بر رقابت استراتژیک میان ناتو و سازمان همکاری شانگهای استوار است. در این صورت هریک از دو سازمان به عضوگیری در منطقه خواهند پرداخت و در نتیجه منطقه تکه‌تکه شده و اختلافات عمیقی در آن ایجاد می‌شود. نمود این مسئله در مقابله کشورهای آسیای مرکزی در مقابل یکدیگر است. در نتیجه این خطر وجود دارد که کشورهای منطقه با هریک از این دو بلوک متحد شوند. در این حالت استدلال می‌شود که استراتژی این کشورها از یکدیگر متفاوت بوده است. به‌عنوان نمونه می‌توان گفت که تاجیکستان و قزاقستان سیاست همکاری و همگرایی با مسکو و پکن در قالب سازمان همکاری شانگهای را تعقیب خواهند کرد و ترکمنستان سیاست بی‌طرفی در منطقه را اتخاذ کرده است؛ کشورهایمانند ازبکستان و قرقیزستان در دوره‌هایی باتوجه به شرایط کشور خود و منطقه، گاه از سیاست هم‌پیمانی با ناتو و در مقاطعی دیگر از سیاست نزدیکی با شانگهای پیروی کرده‌اند.

**ب) تقابل ناتو و سازمان همکاری شانگهای و تأثیر آن بر منافع ملی ایران:**  
گسترش ناتو به شرق باعث نگرانی روسیه و چین خواهد شد در نتیجه آنها در ساختار سازمان همکاری شانگهای به گسترش ناتو واکنش نشان می‌دهند. این تقابل سبب خواهد شد تا ایران که توسط ناتو، آمریکا، ترکیه و اسرائیل محاصره شده و نفوذ سیاسی خود را در این منطقه از دست‌رفته می‌بیند، به همکاری بیشتر با شانگهای روی آورد. این همکاری ایران با شانگهای باعث خواهد شد تا جمهوری اسلامی ایران روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را بیشتر کرده و به‌عنوان یک قدرت تأثیرگذار و بانفوذ در منطقه در تحولات بین‌الملل نقش اساسی ایفا کند. آنچه برای ایران بیش از هر چیز اهمیت می‌یابد، استفاده از این سازمان در جهت ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خویش است، زیرا محیط امنیتی ایران، همپوشی‌های بسیاری با محیط امنیتی سایر اعضای آن دارد؛ از این‌رو این تقابل بین سازمان همکاری شانگهای و ناتو موارد زیر را به